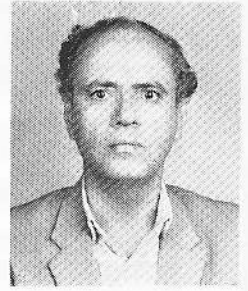


از این کتش هم پشیمان نیستم.



گفتگو با: دکتر سیدعلی محمد سجادی
عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی

طرح رشد و گسترش زبان فارسی

در خارج از کشور

■ آشنا: لطفاً خود را معرفی کرده و راجع به گذشته خودتان مختصری صحبت بفرمایید؟

□ **دکتر سجادی:** بسم الله الرحمن الرحيم. من سیدعلی محمد سجادی، زاده شده به سال ۱۳۲۱ شمسی در شهرستان اصطهبانات و استاد یار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید بهشتی هستم که از سال ۶۵ به این طرف افتخار خدمت دارم و پیش از این هم ۲۲ سال دبیر دبیرستانهای فسا، داراب و تهران بودم.

■ آشنا: علت گرایش شما به زبان و ادبیات فارسی چه بوده؟

□ **دکتر سجادی:** من در یک خانواده مذهبی به دنیا آمدم، به این معنی که خانواده من در زمان خودش با کتاب و کتابخوانی آشنایی داشته؛ شاید گرایش من به ادبیات هم از همین جا نشأت بگیرد اما اگر دقیقاً بخواهم مشخص نمایم، نمی توانم بگویم عامل ذوق و یا عامل خاص دیگری مرا به این سمت سوق داده، می توانم بگویم که مرا به این طرف کشاندند یا کشانده شدم. البته

■ آشنا: می توان این اجبار و یا کشاننده شدنی که شما به آن اشاره دارید را در سطح جامعه به وضوح دید. عدم تمایل به این رشته را ناشی از چه می دانید؟

□ **دکتر سجادی:** باید از دو جنبه این مسأله را بررسی نمود. یکی جنبه کلی آن است که ادبیات در مملکت ما متأسفانه با پشتوانه اقتصادی توأم نیست. علت اینکه دانشجویان ما در دانشگاهها خواهان رشته های پزشکی، علوم پزشکی، مهندسی و دیگر رشته های علوم پایه هستند این است که به نسبت، آینده روشنی را در پیش روی خود می بینند. حال آنکه دانشجویی که می خواهد ادبیات محض بخواند نمی تواند چنین آینده ای را داشته باشد. ما فارغ التحصیلانی در همین سالها و از همین رشته ها داشته ایم که با بیش از دو سه سال تلاش برای پیدا کردن کار، به جایی نرسیدند. اما عامل دیگر، عامل شخصی است. در آن زمان که من می خواستم وارد دانشگاه شوم یعنی سال ۱۳۴۰ مسأله کنکور سراسری و انتخاب رشته به شکل امروزی وجود نداشت. وقتی از شهر خودم به شیراز آمدم که تقریباً همه کنکورها تمام شده بود (چون در آن زمان هر دانشگاه کنکور خاصی برای خودش داشت). تنها دانشکده باقیمانده، دانشکده ادبیات دانشگاه تهران بود و آن هم برای من کنکور نداشت چون من شاگرد اول بودم. هر چند شاگرد اول رشته تجربی اما با تعهد دبیری وارد دانشگاه شدم. شاید این اولین بار بود که یک نفر که می توانست رشته پزشکی را انتخاب کند دست تقدیر او را به طرف ادبیات کشاند.

■ آشنا: گذشته از مسائلی که شما عنوان نمودید، حرکت دیگری را نیز می بینیم و آن نحوه نامناسب ارائه درس ادبیات در دوران متوسطه است که باعث رکود این رشته گردیده، نظر شما در این باره چیست؟

□ **دکتر سجادی:** اشکال تدریس بد از اینجا ناشی می شود که ادبیات یک درس سهل و ممتنع است. سهل است به این معنی که به ظاهر هر کسی خیال می کند که چون فارس است یا ایرانی است و یا فارسی می داند، می تواند ادبیات را هم تدریس نماید. از این نظر سهل و از نظر دیگر ممتنع است؛ چرا که معلم ادبیات

گذراندم و دانشنامه دبیری گرفتم و به دنبال کار روانه شدم. همیشه سعی کرده ام که دانشجوی باشم تا اینکه معلم، به همین دلیل بین من و دانشجویانم چه آن زمان در دبیرستان و چه این زمان در دانشگاه یک نوع تفاهم نزدیک برادرانه وجود دارد. این رابطه دوستانه موجب توفیق در کارم می باشد و به شما و همه کسانی که مصاحبه مرا می خوانند اعلام می کنم که اگر من دوباره هم به دنیا بیایم و بخواهم دوباره زندگی ام را از سر بگیرم، قطعاً این کار (معلمی) و این رشته (ادبیات فارسی) را انتخاب خواهم نمود. آرزویم این بوده که در سطح دانشگاه تدریس نمایم و خوشبختانه من از جمله کسانی هستم که به آرزوی خود رسیده ام.

■ آشنا: دربارهٔ فعالیت‌های خودتان در زمینه تهیه کتب و جزوات توضیحاتی بفرمائید؟

□ دکتر سجادی: از سال ۵۶ که مشغول کارشناسی ارشد (فوق لیسانس) رشته ادبیات فارسی شدم، همکاری خود را با آموزش و پرورش در تهیه کتب درسی شروع نمودم؛ بخصوص بعد از انقلاب اسلامی که نیاز به تجدیدنظر در کتب بود. من هم به عنوان یکی از مؤلفان کتب درسی شناخته شدم و در تهیه و تدوین سه جلد از کتابهای متون ادب فارسی، ویژه رشته های فرهنگ و ادب یا علوم انسانی فعالیت مستقیم داشتم و یکی از سه مؤلف این کتابها بوده ام. علاوه بر این در تهیه جزوه تربیت معلم که جزء کتب درسی آنها محسوب می شود مستقیماً دخالت داشته ام. ناظر کتب فارسی دوره های راهنمایی بوده ام، رساله ام نیز با عنوان خرقه و خرقه پوشی چاپ شده، مقالات متعددی در مجلات مختلف از جمله کیهان فرهنگی، مجله رشد ادبی و مجله پژوهشنامه که در دانشکده ادبیات دانشگاه شهید بهشتی منتشر می شود به چاپ رسیده. اخیراً کتابی از من در دانشگاه پیام نور به چاپ رسیده به نام صائب و شاعران بزرگ سبک هندی.

■ آشنا: تاکنون چند سفر در ارتباط با زبان فارسی به خارج از کشور داشته اید؟

□ دکتر سجادی: کلاً چهار سفر داشته ام: سه سفر به هندوستان و یکی به افغانستان. اولین سفرم در سال ۶۹ بود که همراه هیأتی که مرحوم سیدحسن سادات ناصری هم در آن

باید ذوق یاب باشد، جامعه شناس باشد، با بچه ها تماس نزدیک داشته باشد تا بتواند با آنها تفهیم و تفاهم برقرار نماید. در آن زمان اغلب، کسانی ادبیات تدریس می کردند که در آن زمینه تخصص خاصی نداشتند؛ فی المثل اگر کسی در رشته جامعه شناسی یا روانشناسی و جغرافیا و یا علوم دیگر تحصیل کرده بود و درسی وجود نداشت که به او بدهند، می گفتند ادبیات تدریس نماید و مسلماً چنین کسی که نه خود پشوانه علمی و ادبی دارد و نه می تواند ذوق برانگیز باشد، کلاسش هم دارای ذوقی نخواهد بود. به هر حال این مسأله باید از جنبه های متفاوتی مورد توجه قرار گیرد. و البته غیر از مسائل اقتصادی، تدریس نادرست ادبیات، نبودن امکانات در کتابخانه های ما و یا نبودن کتابخانه در دبیرستانهای ما و صدها عامل دیگر را می توان در این موضوع دخیل دانست.

■ آشنا: لطفاً فعالیت‌هایی را که تاکنون در زمینه ادبیات فارسی داشته اید توضیح دهید؟

□ دکتر سجادی: من از سالی که وارد دانشکده ادبیات شیراز شدم (سال ۱۳۴۰) در جوی قرار گرفتم که مجبور بودم تلاش نمایم. یعنی کلاس ما یک کلاس رقابت برانگیز بود. به این معنی که من به عنوان یک بچه شهرستانی آمده بودم و دیگران از شیراز آمده بودند و می خواستند خودی نشان دهند. در این حال چاره ای نداشتم یا اینکه به قول مولانا واپس بخزم و یا تلاش کنم، و من راه دوم را انتخاب کردم. تلاش کردم و با خود گفتم حال که در رشته ادبیات تخصصی ندارم و رشته ام هم رشته ادبیات نیست باید این نقیصه را جبران نمایم. البته حمل بر خود ستایی نشود اما آقدر زحمت کشیدم که اگرچه به عنوان بچه شهرستانی وارد دانشگاه شدم اما شاگرد اول از دانشگاه بیرون آمدم. مرا به تعلیمات عالی یا تعلیمات متوسطه آن زمان در تهران برای اعزام به خارج معرفی نمودند. هیچوقت فراموش نمی کنم زمانی را که مراجعه کردم و برگه شاگرد اولم را نشان دادم و به من گفتند که جامعه نیاز به آرشیتکت دارد نه به کسی که تنها زندگی خواجه نصیرطوسی را بداند. و این اولین تجربه من از برخورد منفی دولتمردان آن روز با ادبیات فارسی بود. در عین حال من ناامید نشدم و در دانشگاه تربیت دبیر شرکت کردم و یکسال را در آنجا

طرف من و دوستان دیگری که در آنجا بودیم و امسال هم که فعلاً در خدمت شما هستیم از ۱۸ اردیبهشت، کلاس بازآموزی در خانه فرهنگ ایران در دهلی نو بود که من و دیگر دوستان در آن شرکت داشتیم.

■ آشنا: در مجموع ارزیابی شما از سفرها چیست؟

□ **دکتر سجادی:** شکی وجود ندارد که هر سفری که به تبت کمک به گسترش زبان و ادبیات فارسی انجام گیرد، سفر سودمندی است؛ هرچند که این سفرها نمی تواند بطور کلی برطرف کننده نیازهای آنان باشد، اما هرگامی که برداشته می شود گامی است به جلو. سفری که امسال صورت گرفت چون جنبه معلمی داشت (به این معنی که ما کلاسها را به ابتدایی، متوسطه و پیشرفته تقسیم کرده بودیم و هر یک از ما که آنجا بودیم واقعاً معلمی می کردیم، روزی چهار، پنج ساعت درس می دادیم، می گفتیم، می شنیدیم و سخنرانی های آنان را گوش می دادیم) از سفرهای قبلی سودمندتر بود و وجهه دیگر و جنبه دیگری داشت. فراموش نکنیم که مردم هند و بخصوص فارسی زبانان هند رنج مضاعفی می برند؛ یکی رنجی است که اغلب ادیبان در داخل مملکت می برند (از نظر مقایسه با رشته های فنی) و یکی رنجی است که آنها در دیار غربت به جرم خواندن فارسی می کشند؛ و فراموش نکنیم زبان فارسی که روزگاری افتخار مردم هند بوده و امروز هم باید برای نسل تحصیلکرده افتخار باشد، کم کم تحت شرایط خاص ناسیونالیستی از یک طرف و نفوذ دستگاههای تبلیغی عربستان از طرف دیگر و عوامل خاص دیگر از قبیل هندوئیسم گاه مورد تحقیر قرار می گیرد و اگر ما که طلایه داران زبان فارسی در این مملکت هستیم نتوانیم کمکی کنیم و سالی یک بار آنها را ببینیم من آینده روشنی را برای ادبیات فارسی پیش بینی نمی کنم و اگر گامی که برداشته می شود خالصاً مخلصاً برای خدا و برای زبان فارسی باشد من فکر می کنم که این سفرها به اضافه مسافرتهایی که آنها به ایران خواهند داشت و دوره های کوتاه مدت و بلندمدتی که خواهند دید به اضافه چیزهای دیگر که در گزارش خودم به آنها اشاره کردم از قبیل ارسال کتب، ارسال نشریات، دادن پوشش تبلیغی از طریق رادیو ایران بخصوص، برای زبان فارسی و امثالهم در آنجا مؤثر باشد.

شرکت داشتند به کابل رفتیم. آن زمان اعزام ما به کابل برای بررسی این مطلب بود که آیا رشته های پیوند ما با آنها بعد از انقلاب کمونیستی در آنجا تا چه حد گسسته شده و تا چه حد مجدداً قابل گره زدن است. خوشبختانه در آن سفر اعضای دانشگاهی افغانستان برخورد بسیار خوبی با ما داشتند و ما ملاقاتهای بسیار خوبی داشتیم و اگر هم خدای ناکرده مجاهدین افغان پیروز نمی شدند، ما زیربنایی را در آنجا گذاشته بودیم که هر حکومتی که در افغانستان باشد این احساس را داشته باشد که در هر حال نمی تواند خود را از زبان فارسی جدا سازد. ما در آن جا بنیادی را بنا نهادیم که فارسی بتواند دست کم همراه با زبان ساختگی پشتو پیش تازد. البته پس از جریان مرگ استاد سادات ناصری و مصیبتی که برای ما در کابل پیش آمد و به ایران برگشتیم نمی دانم که این ماجرا به کجا ختم شد اما همینقدر می دانم که با پیروزی مجاهدین افغان چنانچه یک حکومت مستقل در کابل ایجاد شود قطعاً دنباله کار ما و هیأت ما را خواهند گرفت. بعد از آن من سه سفر به هندوستان داشتم؛ یکبار به اتفاق دوستان دانشگاهی ایران و اساتید دانشگاهی خودم به شانتی نیت کن، زادگاه رابیندرانات تاگور، شاعر و فیلسوف و متفکر بزرگ هند سفر کردم و در آنجا در دانشگاهی که به نام تاگور است سخنرانیهایی درباره ادبیات فارسی داشتم و می توانم بگویم که این سفر، اولین سفری بود که به کلاسهای بازآموزی زبان و ادبیات فارسی در هند رونق داد. سال بعد سفری به دهلی داشتم که آن هم بیشتر به صورت برگزاری سمینار و سخنرانی بود از



در آنجا موجود است یا مثلاً به حیدرآباد برویم. من در گزارش خود گفته‌ام که حدود (۱۴ لک) یعنی (چهارده صد هزار) سند در آن جا وجود دارد که اغلب آنها هم به زبان فارسی است. برای خواندن و احیاء آنها نیاز به کسی داریم که زبان فارسی را بداند و چون نمی‌توانیم دهها نفر را از ایران بفرستیم و در آنجا مقیم کنیم پس باید افراد دلسوزی را از افراد هندی و بخصوص مسلمانان هند زیر نظر خود بگیریم و به آنها فارسی بیاموزانیم و عشق آموختن فارسی را در آنها برانگیزانیم و از نظر اقتصادی آنها را تأمین کنیم تا اینها بروند و این سندها را بخوانند و آن کتابها را فیش برداری نمایند و به صورت فهرست شده در اختیار علاقه‌مندان قرار دهند. این یکی از کارهایی است که ما می‌توانیم انجام دهیم. هر انگیزه‌ای که بتواند عشق به زبان فارسی را در دل مردم هند که این آمادگی را دارند، بیدار نماید به نظر من بسیار کارساز خواهد بود. در ایران، وزارت فرهنگ و آموزش عالی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دانشگاهها، آموزش و پرورش، دفتر تحقیقات و برنامه ریزی کتب درسی همه اینها می‌توانند تأثیر مثبتی داشته باشند مشروط به اینکه یک نوع هماهنگی منسجم بین همه دستگاها ایجاد شود.

■ آشنا: زبان فارسی در شبه قاره هند به عنوان یک زبان مذهبی مورد توجه بوده آیا توانسته است این جنبه را حفظ نماید یا اینکه صرفاً به عنوان یک زبانی که تقریباً ۹۰۰ سال سابقه تاریخی دارد مطرح است؟

□ دکتر سجادی: من معتقد نیستم که زبان فارسی صرفاً یک زبان مذهبی می‌باشد بلکه اگر در نظر بگیرید که زبان فارسی با دستگاه سلطان محمود غزنوی به هند رفته باشد که غزنویان ترک هستند و با زبان فارسی چندان آشنایی ندارند و یا اگر هم آشنا باشند ارادتی به فارسی ندارند. اصولاً نباید زبان فارسی را یک زبان تهاجمی و یا از آن قومی مهاجم دانست. زبان فارسی در عین اینکه می‌تواند جنبه مذهبی داشته باشد صبغه هنری، صبغه فرهنگی و صبغه تاریخی و بخصوص ادبی داشته و ما اگر خواهیم از دید مذهبی صرف بررسی کنیم قطعاً نتیجه‌ای نمی‌گیریم. امروزه شاهکارهایی که در هند وجود دارد مانند تاج محل، جامع مسجد و بسیاری از معابد و خانقاهها، صومعه‌ها و

■ آشنا: آقای دکتر مرجع و ملاک انتخاب استاد برای اعزام به خارج از کشور در حال حاضر کجا و چیست؟

□ دکتر سجادی: من هم دقیقاً نمی‌دانم اما تا آنجا که متوجه شده‌ام سازمانی وجود دارد به نام سازمان گسترش و رشد زبان فارسی. این سازمان که در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است با توجه به سابقه‌ای که از استادان زبان فارسی دارند از یکسو و با سابقه‌ای که از استادان به خارج اعزام شده دارند و با بررسی فعالیتهای آنان و میزان رضایتی که داشته‌اند از سوی دیگر - و شاید عوامل دیگری که من نمی‌دانم - یک یا چند نفر استاد را که بتوانند در آنجا مشکلات آنها را برطرف نمایند انتخاب می‌کنند و به آن کشور اعزام می‌کنند.

■ آشنا: شما شخصاً در مورد این انتخابها و ملاکهای گزینش چه روشی را پیشنهاد می‌کنید؟

□ دکتر سجادی: از نظر من خانه فرهنگ که مسؤولیت این عمل را برعهده دارد باید مسائل را با عمق بیشتری بررسی نماید. لازم است یکی دو ماه پیش از اینکه استاد مورد نظر معرفی شود به او بگویند که به کدام کشور می‌رود تا او فرصت برنامه ریزی مناسب داشته باشد و وسایل مورد نیاز خود را هم تهیه کند تا در موقع انجام وظیفه به مشکلی برنخورد. نظرم بیشتر بر روی کارهای کیفی می‌باشد و الا از نظر کمی مسأله خاصی را نمی‌بینم.

■ آشنا: با توجه به چند سفری که تا کنون به شبه قاره داشته‌اید راجع به وضعیت زبان فارسی در آن منطقه توضیح بفرمایید؟

□ دکتر سجادی: به همان دلایلی که توضیح دادم زبان فارسی در هند متأسفانه مورد ظلم مضاعف قرار گرفته است. اما «تاریشه در آب است امید ثمری هست» من به هیچ عنوان از اینکه دوباره این زبان پا بگیرد ناامید نیستم منتها برای پا گرفتن، هر زبانی علائق و انگیزه‌های خاصی لازم دارد. یکی از این انگیزه‌ها حتماً انگیزه‌های اقتصادی است یعنی ما همچنان که (احتمالاً) به ملل در حال انقلاب کمکهای مادی و معنوی می‌کنیم برای گسترش زبان فارسی نیز باید این کمکهای مادی و معنوی به صورت مستمر و برنامه ریزی شده صورت گیرد. کافی است ما سری به اسناد و آرشیو ملی هند بزنیم تا ببینیم چه اسناد گرانبهائی

مرتاض خانه هایی که وجود دارد همه می تواند به نحوی نماینده زبان فارسی باشد چون برکتیه هایشان زبان فارسی نقش بسته یعنی همانقدر که در جامع مسجد جای پای زبان فارسی موجود است در یک خانقاه یا صومعه ای که از آن پیروان جینیزم است هم وجود دارد. پس زبان فارسی نمی تواند زبان مذهب خاصی باشد بلکه مختص یک قوم فرهیخته ادیب درس خوانده بود؛ البته وقتی که مردم هم از دستگاههای درس خوانده و فرهیخته تبعیت می نمایند قطعاً این زبان به عنوان زبان دایر مدار روز مردم هم می تواند جلوه گر باشد. اما امروز دیگر نه پشتوانه اقتصادی و نه چندان پشتوانه سیاسی و نه جنبه مذهبی خاص وجود دارد. اگر بنا بود که این زبان، زبان مذهبی خاص باشد باید مثلاً امروز صد یا صد و بیست میلیون و یا حداقل حدود چهل میلیون آنها که شیعه هستند به فارسی صحبت نمایند در حالی که کسی به فارسی صحبت نمی کند و اگر صحبت شود کسی از آنها فارسی را متوجه نمی شود مگر آنهایی که اردو زبانند چرا که بخش اعظم زبان اردو کلمات فارسی است.

■ آشنا: زبان فارسی را در دانشگاههای هند چگونه دیدید نحوه تدریس و کتابهای درسی آنها را چگونه ارزیابی می کنید؟

□ دکتر سجادی: طبق گزارشی که به ما دادند گفتند که حدود ۱۰ هزار نفر در هند فارسی یاد می گیرند. این ده هزار نفر ممکن است در سطح دبیرستان باشد یا دانشگاه. به یاد داشته باشیم که هند دنیای گسترده ای است که در هر جای آن یک ساز خاصی می نوازند، آنچه را که در دهلی دیدم استادانی بوده اند که تلاش

برای آموختن زبان فارسی داشتند متنها روش ها غلط اند. به این معنی که بیشتر، زبان فارسی، به زبانهای اردو یا زبان انگلیسی و یا هندی آموخته می شد و به همین زبانها هم از آنها امتحان گرفته می شود. نتیجه این کار این است که ممکن است کسی مفهوم گلستان را بفهمد اما نمی تواند با زبان گلستان و یا زبان فارسی صحبت کند که جای تأسف و دریغ است. مقداری هم گناه به گردن ماست به این معنی که در دانشگاههای هند هنوز کتابهایی تدریس می شود که در حدود صد سال پیش در ایران تدریس می شد مانند کتاب المعجم فضل الله قروینی یا معیار جمالی یا نصاب الصبیان. باید دستگاههای فرهنگی ما اعم از آموزش و پرورش، دانشگاهها و ارشاد دست به دست هم دهند و یک برنامه ریزی مدون و مرتب برای آنها داشته باشند. تقبل کنند که برای آنها حداقل کتاب بفرستند، کتابی که هم برای استادان و هم برای دانشجویان قابل استفاده باشد. باید در ایران هیأتی از استادان ممتاز زبان فارسی تشکیل شود و از استادان زبان فارسی هند هم دعوت به عمل آید و بیایند در دوره هایی سه چهار ماهه کنار هم بنشینند و برای تدریس برنامه ریزی کنند. من و دوستانم نیز تدوین کتاب برای آنها را تقبل می کنیم. همچنین باید نشریات را به طور ادواری و مفصل برای آنها بفرستیم. حتی اگر لازم باشد خود ما برای امتحان گرفتن و کمک کردن به آنها به آنجا برویم؛ اینها کارهایی است که می توان انجام داد اگر بخواهیم که زبان فارسی ماندگار باشد.

■ آشنا: آیا شما شخصاً فعالیتی در این زمینه داشته اید؟

□ دکتر سجادی: از من به تنهایی و از من و شما به تنهایی کاری ساخته نیست باید شورای گسترش زبان فارسی از اساتید داخلی و استادان هندی دعوت نماید و امکانات آنها را هم بسنجد تعداد دانشجویان را هم بسنجد، دستگاههای آزمایشگاهی را مورد نظر قرار دهد و از مجموع اینها ببیند چه می تواند انجام دهد. یکی دیگر از کارها اینست که ما



دارد که این کمبودها را، هم باید به نسبت سنجید و هم سعی در جبران آنها نمود.

■ **آشنا: اگر شما به عنوان رایزن فرهنگی به هند می رفتید چه می کردید؟**

□ **دکتر سجادی:** رایزن فرهنگی در هند با رایزن فرهنگی در کشور جیوتی باهم فرق می کنند. کسی که به هند می رود سرو کارش با بیش از ۵۰۰ زبان و لهجه و بیش از ۳۰۰ زبان شناخته شده است. آنجا بیش از ۱۶ زبان رسمی وجود دارد و سروکارش با یک کشوری است که در هر گوشه و کنار آن یک دانشگاه عظیم و محل تحقیق بسیار وسیع، ادیان متفاوت، افکار و احزاب و عقاید متفاوتی وجود دارد. به نظر من کار یک رایزن در آنجا بایستی در حد یک سفیر فرهنگی با امکانات بسیار زیاد باشد تا بتواند همه این عوامل را بررسی نماید. و همه این عوامل را در یک کانال مخصوص جای دهد و هر کدام اینها را بررسی نماید. یکی از این کانالهایی که باید حتماً مورد نظر قرار گیرد این است که برای زبان فارسی چه کارهایی می شود انجام داد.

اول باید دید که برای زبان فارسی در داخل کشور چه می توانیم انجام دهیم تا بعد در خارج از کشور. از عوامل انجام کار، داشتن پشتوانه سیاسی فرهنگی، تأمین اقتصادی، داشتن امید به آینده ای روشن است به طوریکه دانشجویی که می خواهد در آنجا زبان فارسی بخواند از خواننده خود پشیمان نباشد و به روزگاری نیفتد که نتواند کاری پیدا کند و در نهایت پشیمان شود.

■ **آشنا: وضعیت کتاب یا نمایشگاههای کتاب و یا کتابخانه ها را در هند چگونه می بینید؟**

□ **دکتر سجادی:** در خانه فرهنگ ایران کتابخانه نسبتاً مفصل و آبرومندی وجود دارد که باید سعی کنیم در آن به روی طالبانش همواره باز باشد و کسانی که خواهان زبان فارسی هستند به آنجا بیایند و از آنها استفاده کنند اما این بیشتر جنبه سمبلیک دارد و ما باید جنبه عینی و واقعی به این قضیه بدهیم. ما باید نمایشگاههای کتاب در آنجا دایر نماییم البته نه با ارز آزاد بلکه با سوبسید و قیمتی مناسب. در شهرهای بزرگی مانند کلکته، بمبئی یا در شهر دانشگاهی شانتینیتکن، لکهنو باید تبلیغ کنیم، کتابفروشی دایر کنیم و سعی کنیم که کتابهای خوب و ارزنده در اختیارشان

هرچند سال یکبار از استادان بزرگ هند دعوت کنیم تا یک تابستان به عنوان میهمان به ایران بیایند و آموزش ببینند و دوباره برگردند. همچنین باید به دانشجویان ممتاز آنها بورس داده شود، بورسهای دو سه ماهه که بیایند مهمان دانشگاههای مختلف ایران شوند. اینها را باید شورای گسترش و یا هر دستگاه دیگری که متولی اینگونه امور است برعهده گیرد. من در حد توان می توانم کمک کنم.

■ **آشنا: پس نقش شورای گسترش زبان فارسی تا به امروز چه بوده است؟**

□ **دکتر سجادی:** این را باید از خود آنان پرسید.

■ **آشنا: پس باید در این زمینه قصوری باشد؟**

□ **دکتر سجادی:** نمی دانم این قصور از کجاست اما به نظر من مهمترین مشکل، عدم هماهنگی دستگاههای اجرایی است یعنی وقتی که وزارت علوم یک نفر را به وزارت ارشاد معرفی می نماید تا وزارت ارشاد او را اعزام نمایند این فاصله و عدم هماهنگی بقدری زیاد است که نمی شود گفت از کجاست. البته این عدم هماهنگی ممکن است در برنامه های خود ما هم به چشم بخورد و این احتیاج دارد به اینکه شما به عنوان خبرنگار جستجو کنید و مشکل را بیابید.

■ **آشنا: آیا عملکرد رایزنی فرهنگی هم در حد نقش شورای گسترش زبان است؟**

□ **دکتر سجادی:** یکی از کارهای رایزنی فرهنگی، گسترش زبان فارسی است. استاد و کتاب که از اینجا فرستاده می شود. کار او در حدی است که به عنوان میزبان می تواند تمام اساتید سراسر هند را در یکجا جمع کند و غذا و محل خواب و وسیله آرامش آنها را فراهم نماید که آنها در حد خودش این کار را انجام می دهد.

■ **آشنا: پس در مجموع عملکرد رایزنی فرهنگی ایران در هند را مثبت می بینید؟**

□ **دکتر سجادی:** بله چرا که فراهم آوردن صد نفر از اساتید آنها در دهلی با امکانات نسبتاً محدودی که دستگاههای ما در آنجا فراهم آورده اند کاری است دشوار. البته کاستی هایی وجود

روزی ادیبان کشور ما مردان بزرگی بودند مثل مرحوم بدیع الزمان فروزانفر، جلال همایی، مرحوم ملک الشعراء بهار و دیگران. نسل بعدی آمدند مثل مرحوم دکتر معین، استاد دکتر صفا و دیگران. نسل بعدی آمدند مثل استاد دکتر شهیدی استاد دکتر زرین کوب و غیره. باید قبول کنیم آن نوع ادبیاتی که در دید من و نظر من است روز به روز نوعی افول داشته، شرایط اجازه نمی دهد که مردانی مثل استاد فروزانفر و یا استاد همایی پا بگیرند. این شرایط ممکن است جنبه های اقتصادی، حرمت استاد، کثرت دانشجو و جنبه های متفاوتی که الآن در این بحث نمی گنجد را در بر بگیرد. به همین ترتیب استادان هندی هم همینگونه هستند.



روزی که نسل پروفیسور عابدی و پروفیسور نذیر احمد، مثل استاد فروزانفر و همایی کنار رود و نسل دومی مثل پروفیسور اظهر دهلوی و یا پروفیسور شریف قاسمی و یا دیگران روی کار می آیند می بینیم که ادبیات کمی رو به عقب می رود. در حال حاضر افراد جدیدی پا گرفته اند و تحت همان شرایط که گفتم قطعاً زبان فارسی، آن رونق گذشته را نخواهد داشت اما این آمادگی را هم در آنها و هم در خودمان می بینم که اگر دست به دست هم دهیم و مشکلات را برطرف کنیم دوباره این نسل احیاء شود. هستند کسانی که می توانیم روی آنها سرمایه گذاری کنیم و در آینده از آنها بهره برداری کنیم.

■ آشنا: با تشکر و سپاس از استاد گرامی، اینک گزارش سفر ایشان را تقدیم خوانندگان می نمایم. ◀

بگذاریم. البته نباید کتابهایی که صرفاً جنبه تبلیغی - مذهبی دارند به آنجا برد (می تواند جنبه مذهبی هم داشته باشد اما با بیان ادبی باشد) باید جاذبه ای ایجاد کرد که یک هندو اگر متعصب هم باشد زبان فارسی را یاد بگیرد. اگر بتوانیم این کتابخانه ها را دایر کنیم و نشریات خودمان را بفرستیم و سعی نماییم زبان فارسی را جانی دوباره ببخشیم بسیار کار مثبتی کرده ایم.

استادان آنجا از ما گله مند بودند که کتاب به دست ما نمی رسد. استادی به من می گفت خیلی دوست دارم کتاب «از صبا تا نیما» را داشته باشم. اینجا پیدا نمی شود من به تهران آمدم و گشتم اما پیدا نشد. باید ببینیم از کجا باید شروع کرد. استاد دیگری از من میکرو فیلم فلان کتاب خطی را می خواست که در کتابخانه های ایران وجود دارد. گرفتن آن و فرستادن به آنجا بسیار بسیار مشکل است یعنی اگر شما به فرض سه ماه هم وقتتان را صرف کنید پول هم بدهید که برایتان بگیرند، به پستخانه که مراجعه می کنید با مشکل مواجه می شوید.

تازه اگر هم پست شد نمی دانید که آیا به دستش برسد یا نه؟! اینها دردهایی است که وجود دارد باید کسانی که دست اندرکار امور سیاسی و فرهنگی مملکت هستند از بالا به قضیه نگاه کنند و تمام این اشکالات را ببینند و آنها را برطرف نمایند.

■ آشنا: آیا در شبه قاره نشریه ای به زبان فارسی منتشر می شود؟

□ دکتر سجادی: یک نشریه ای است به نام بیاض که از طرف خود استادان زبان فارسی هند منتشر می شود. نشریه دیگری است با نام قند پارسی که از طرف خانه فرهنگ منتشر می شود. بیشتر مقالات هم از آن اساتید آنجا و یا استادانی است که از اینجا مقاله می فرستند. کیفیت مجله نیز در سطح نسبتاً بالایی است.

■ آشنا: در اینجا بجاست که این سؤال هم مطرح گردد که سطح علمی اساتید بومی زبان فارسی را چگونه ارزیابی می کنید؟ چرا که زمانی زبان فارسی را از نظر نحوه آموزش بررسی می کنیم و زمانی از نظر نحوه کار تحقیقی؛ برداشت شما از جنبه کار تحقیقی اساتید چیست؟

□ دکتر سجادی: می توان آن را با داخل کشور مقایسه نمود.